

## الگوهای مدیریت زنان در قرآن

معصومه روحانی منش<sup>۱</sup>

### چکیده:

یکی از حوزه های مباحث قرآنی در ارتباط با مدیریت اسلامی، قصص قرآنی است. در داستان های تاریخی قرآن در کنار مردان بزرگ به زنان بزرگ نیز اشاره شده است. زنان ممتاز و برگزیده ای که در فراست و هوش سرشار و در توانایی بر درک حقایق و حل مسایل و رویدادهای اجتماعی و سیاسی و مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و ستم از منزلت بالایی برخوردار بودند. این زنان مدیرانی کارآمد بودند که توانستند در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اعتقادی، فرهنگی، خانوادگی و... بدرخشند. از این رو به عنوان الگوهای مدیریت زنان معرفی شده اند. چنان که از مدیرانی غیر مسؤول و ناکارآمد نیز در قطب منفی سخن به میان آمده است. که در این مقاله به برخی از آن ها اشاره می گردد.

کلید واژه: مدیریت کیفیت، فنون آماری، ابزارها، زیرساختارها

بلقیس ملکه سبا؛ الگوی حکومت و زمامداری در عرصه سیاسی:

بلقیس سمبل مدیریت سالم است. در سایه مدیریت سالم است که جامعه به کمال و سعادت می‌رسد. بلقیس زنی خردمند و مآل‌اندیش بود که در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و کشورداری از تجربیات بالایی برخوردار بود و این موجب سلامت رأی و روشن‌بینی او شده بود. او با درایت و ذکاوت خویش، دعوت به یکتاپرستی را پذیرفت و با تمام قدرت و شوکتی که داشت، تسلیم حق شد. اقرار بلقیس به خطای خویش و توبه زیبایی او حکایت از وارستگی و شجاعت و عظمت روحی این بانوی مدبر می‌کند.

یوکابد مادر موسی علیه‌السلام؛ الگوی فداکاری و کیاست در عرصه اجتماعی:

یوکابد (س) محل وحی الهی بود. او با الهام غیبی از جانب پروردگار به مراقبت از فرزندش پرداخت. این زن توانمند از نوعی مدیریت هوشمندانه و کیاست برخوردار بود که در برابر سخت‌ترین حوادث، مقاومت و ایستادگی کرد و توانست مأموریت خود را با موفقیت به پایان برساند. در دامان این بانوی قهرمان، فرزندی تربیت می‌شود که بساط ظلم و ستم فرعون و فرعونیان را بر می‌چیند و نهضتی بزرگ برای نجات مستضعفان برپا می‌کند.

آسیه همسر فرعون؛ الگوی مبارزه و شهادت‌طلبی در عرصه اعتقادی:

آسیه همچون مبارزی یکتاپرست تا پای جان از موسی علیه‌السلام و عقیده‌اش دفاع می‌کند و بر فرعون ضربه وارد می‌کند. او زنی قهرمان و خستگی‌ناپذیر بود که با مدیریت و برنامه‌ریزی هوشمندانه توانست زمینه‌ساز

قیام موسی علیه‌السلام باشد. رشد و شخصیت انسانی و ایمانی کار این زن را به جایی می‌رساند که در کاخ زمینی فرعون به سر برد، ولی کاخ‌نشین آسمانی بهشت شود. او سال‌ها یکتاپرستی کرد و سرانجام در راه مبارزه علیه ظلم و بی‌عدالتی به شهادت رسید.

مریم مادر عیسی علیه‌السلام؛ الگوی پرستش و پاک‌دامنی در عرصه عبادی:

حضرت مریم به عنوان یک انسان کامل متجسم فضایل معنوی بوده و سرمشق و الگوی سالکان اعم از زن و مرد می‌باشد. او که مظهر عفاف و پاک‌دامنی بوده به درجه والایی از انسانیت می‌رسد که مادر پیامبری اولوالعزم همچون عیسی علیه‌السلام می‌شود. وی با مدیریت آگاهانه این پیامبر الهی را در تمامی مراحل زندگی صبورانه حمایت می‌کند و انواع مشقت‌ها و سختی‌ها را تحمل می‌کند. مریم برای انجام این رسالت الهی در معرض تربیت و گزینش از جانب خداوند قرار می‌گیرد و همنشین ملائکه می‌شود و قرآن از او به عنوان برترین زن جهان یاد می‌کند.

همسران نوح و لوط علیهماالسلام؛ الگوهای خیانت و ردالت در عرصه فرهنگی و خانوادگی: در قرآن کریم این دو زن سمبل کفر و خیانت معرفی شده‌اند و مایه عبرت برای دیگران. آن‌ها همسران دو پیامبر صالح بودند که حقیقت را درک نکردند و به پیامبران الهی و آرمان‌های آن‌ها خیانت کردند. آن دو اقدام به سمپاشی در ترویج فرهنگ توحیدی نمودند و همراه با هلاکت خود، جامعه خویش را نیز به نابودی کشاندند. نتیجه آن که سیر در زندگی گذشتگان، خود به عنوان یک اصل قابل تفکر دارای اهمیت است. معرفی زنان مدیر و کارآمد و نیز زنان غیر متعهد و خائن و بیان ویژگی‌های مدیریتی هر کدام، موضوع مورد بررسی در این مقاله می‌باشد.

#### ۱. مقدمه:

سبک مدیریتی هر جامعه متأثر از ارزش‌های حاکم بر آن جامعه است، الگوی مدیریت اسلامی نیز منبعث از اصول و قوانین مشخصی است که بر اساس ملاک‌های اسلامی استوار گشته و سمت و سوی الهی دارد و هدف آن ارتقای انسان در جهت کمال و بهبود نظام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، خانوادگی و... است.

در دهه‌های اخیر، به خصوص در کشورهای اسلامی، در عرصه‌های گوناگون مدیریتی از الگو و الگوسازی بسیار سخن رفته و ضرورت دستیابی به الگوهای مدیریتی اسلامی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. سیر در تاریخ و به تعبیر قرآن سیر در زندگی گذشتگان در این راستا، خود به عنوان یک اصل قابل تفکر دارای اهمیت است<sup>۱</sup> در حقیقت تاریخ نمودی از بودها و نبودهایی است که از آن‌ها درس بایدها و نبایدها را می‌توان آموخت.

یکی از موضوعات مهمی که در قرآن از آن‌ها سخن به میان آمده، زنانی هستند که در خلال رویدادهای تاریخی و قصص قرآنی معرفی شده‌اند. گروهی از این زنان چهره‌ای خوب و برخی نیز چهره‌ای بد داشته‌اند و به نوعی هر کدام نقش‌های حساس مدیریتی نیز عهده‌دار بوده‌اند. قرآن کریم با بیان نقش این زنان در دو قطب مثبت و منفی و ارائه سرگذشت آن‌ها می‌خواهد آنان، هم مایه سرمشق باشند و هم مایه عبرت. سرمشق از زنان پارسای نام‌آوری که منشأ دگرگونی‌های مثبت بوده‌اند و عبرت از زنان بی‌ایمانی که موجب انحطاط فضیلت انسانی و بدنامی خود و گرفتاری دیگران شده‌اند. معرفی این زنان و بیان ویژگی‌های مدیریتی آن‌ها که بنا به تقریر قرآن می‌تواند ما را به اصولی از مدیریت اسلامی راهنمایی کند، موضوع مورد بررسی در این مقاله می‌باشد.

## ۲. مدیریت قرآنی:

مدیریت عبارت است از انجام عملیات برای حصول به هدف یا هدف های از پیش تعیین شده از طریق هدایت و تلفیق مساعی افراد<sup>۱</sup> جهان بینی الهی، کل جهان هستی را به صورت مجموعه ای هماهنگ و هدفدار می بیند که تحت تدبیر و مدیریت عالی الهی قرار دارد و سنت های ربوبی بر آن ها حاکم است و ستیزه جویی با نوامیس تکوینی و تشریحی الهی، نتیجه ای جز شکست نهایی ندارد. بنابراین باید در برنامه ریزی ها و تعیین اهداف و خط مشی ها و حتی در اعمال و روش های جزئی، اراده تکوینی و تشریحی الهی را دقیقاً رعایت کرد و از آنجایی که شرافت انسان به روح ملکوتی اوست و امتیاز او بر سایر موجودات مرهون ویژگی های انسانی وی می باشد که خاستگاه ارزش های معنوی و الهی به شمار می روند و

قوای نباتی و حیوانی در واقع زمینه ساز رشد انسان و کمال معنوی و ابزارهایی برای رسیدن به درجات بلند و سعادت جاودانی اند، بنابراین باید در تعیین اهداف و خط مشی های هر سازمان و هر جامعه ای اولویت و اصالت را به ارزش های معنوی داد و هیچ گاه نباید اصل را فدای فرع و هدف را فدای وسیله ساخت و هر چند مدیریت مثلاً مربوط به یک سازمان اقتصادی باشد، ولی اسلامی بودن آن اقتضا می کند که در همان محدوده نیز اهداف معنوی رعایت شود.<sup>۲</sup>

در واقع این وظیفه که به حق می توان آن را اساسی ترین وظیفه مدیریت از دیدگاه اسلامی معرفی کرد، عبارت است از احساس و پذیرش این که انسان هایی که در یک مجموعه مورد مدیریت قرار گرفته اند، دارای دو بعد مادی و معنوی هستند و اهتمام مدیریت به بعد معنوی آنان نه تنها نباید کمتر از اهمیت بعد مادی آنان باشد، بلکه با توجه به هدف اعلای حیات همه انسان ها که قرار گرفتن در جاذبیت شعاع فروغ الهی است، بعد معنوی انسان ها با اهمیت بیشتری باید مورد اهتمام مدیریت قرار بگیرد.<sup>۳</sup> قرآن کریم منبع عام مدیریت اسلامی است این مجموعه و حیانی و اصلی ترین منبع هر جستار علمی و دینی، چند مدیریت را ارائه می دهد که همگی برای مدیریت اسلامی اسوه و راه گشایند:

### الف - مدیریت خداوندی:

این مدیریت مبتنی بر ربوبیت خداوند است. یعنی خداوند غیر از آفرینش جهان و انسان، تدبیر و مدیریت نیز دارد.

۱ سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، مهدی ایران نژاد پاریزی و پرویز ساسان گهر، ص ۲۰.

۲ ر. ک: دیدگاه های اسلام درباره مدیریت، جمعی از استادان، ج ۲۳، ص ۲۸-۳۰.

۳ همان، ص ۳۸.

ب - مدیریت پیامبران:

مدیریت پیامبران بویژه مدیریت رسول خدا (ص) که بخشی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است، قرآن با بیان شیوه مدیریت آنان به ارائه قواعد عام مدیریتی می پردازد که در حوزه مدیریت اسلامی قابلیت الگوبرداری و استنباط سیره‌های مدیریتی از آن‌ها وجود دارد.

ج - مدیریت صالحان:

خداوند در قرآن کریم به بیان ویژگی‌های شخصیت‌های صالحی همچون حضرت خضر، ذوالقرنین، مادر و خواهر حضرت موسی، ملکه سبا و... می پردازد که این تقریر قرآن بر سیره آنان می‌تواند ما را به اصولی از مدیریتی قرآنی راهنمایی کند.<sup>۱</sup>

### ۳. الگوهای مدیریت زنان در قرآن:

در داستان‌های تاریخی قرآن به زنانی برگزیده و ممتاز بر می‌خوریم که در فراست و هوش سرشار و در توانایی بر درک حقایق بسیار دشوار و حل مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی به منزلت بالایی رسیده بودند. آنان مدیران کارآمدی بودند که در راه خدا و حفظ پایداری دین خدا قیام کردند و با مبارزه علنی و غیر علنی خود به حفظ ارزش‌های الهی پرداختند. این زنان اساس تربیت الهی و حفظ فرهنگ دینی به شمار می‌آیند. از این رو بخش مهمی از آیات قرآن در مورد این زنان و حکایت سرگذشت آنان نازل شده، تا بدین طریق نسل‌های مختلف را متوجه ارزش و جایگاه آنان نموده و آن‌ها بتوانند با الگو قرار دادن این زنان بزرگ، گام‌های صحیح و استواری را در مسیرندگی و فعالیت‌های اجتماعی خود بردارند.

در بحث درباره مدیریت آینده، اغلب تأکید می‌شود که زنان، امروزه بزرگ‌ترین ذخایری هستند که از آن‌ها استفاده نشده است و در مورد مدیریت هماهنگ ادعا می‌شود که زنان باید بار سنگین این هماهنگی را به دوش گیرند و اگر یک مدیر می‌خواهد رشد و پیشرفت کند، باید در مقابل خود یک الگوی مثبت و روشن داشته باشد. همه مدیران خوب مدیران خوبی داشته‌اند. مدیریت را از طریق تقلید می‌توان آموخت. برای این که این آموزش به سطوح عمیق‌تری وارد شود، باید مردان و زنان مدل‌هایی از جنس خود در ذهن داشته باشند. این موضوع برای زنان بسیار مهم است، چون آن‌ها تقریباً اغلب با مدیران مرد مواجه بوده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. ر. ک: مدیریت از منظر کتاب و سنت، صمصام‌الدین قوامی، ص ۶۱؛ اصول و مدیریت اسلامی و الگوهای آن، ولی‌الله نقی‌پورفر، ص ۵۹.

۲. ر. ک: زنان مدیر، باربار دالبوم - هال، ترجمه زهره قایینی، ص ۱۱.

چنان که اشاره شد، یکی از شاخص‌های الگوسازی مدیریتی زنان از دیدگاه قرآن، قصص قرآن و رویدادهای تاریخی قرآن است. قرآن در خلال این وقایع مهم تاریخی به معرفی زنانی پرداخته است که در حرکت تبلیغی و ارشادی انبیا علیهم‌السلام نقش آفرینی کرده‌اند. گروهی زنان پارسا و خدمتگزاری بودند که منشأ دگرگونی‌های مثبت بودند و گروهی دیگر زنان خیانت پیشه‌ای بودند که منشأ شر و فساد و انحطاط خانوادگی و اجتماعی بودند. قرآن در این سنجش، سیمای جمعی از زنان با ایمان و خدانشناس را که از عقل خدادادی بهره گرفتند و به خود و کسان خویش و هم‌نوعان عصر خویش آبرو بخشیدند، نشان می‌دهد و نیز سیمای برخی دیگر از زنان بی‌ایمان و کافر را که باعث ننگ خود و شرمساری مردم زمانه خود گشتند، به تصویر می‌کشد. در این بخش به معرفی برخی از این زنان پرداخته می‌شود:

بلقیس ملکه سبا؛ الگوی حکومت و زمامداری در عرصه سیاسی:

بلقیس در سرزمین سبا، بهشت روی زمین زندگی می‌کرد.<sup>۱</sup> او در خانه پدرش شراحیل که یکی از ملوک یمن و از قبیله حمیر بود، با ناز و نعمت تمام، بزرگ شد. وی در خانه ملوکانه پدری انواع علوم و فنون را فرا گرفت و یگانه فرزند پدرش بود که پس از مرگ وی جانشین او شد. بلقیس در روزگار سلیمان بن داود در قلمرو بسیار وسیع و گسترده‌ای حکومت می‌کرد و سلیمان ظاهراً خبر نداشت. یکی از مأموران سلیمان که پرنده‌ای به نام هدهد بود، این خبر را به او داد.<sup>۲</sup>

۱. بلقیس و نامه سلیمان علیه‌السلام

خداوند متعال به حضرت سلیمان پیامبر، موهبتی ارزانی داشته بود و آن این که او هم پیامبر خدا بود و هم فرمانبرداری بزرگ و مقتدر در عصر خویش بود. هر گاه سلیمان علیه‌السلام به سفر می‌رفت یا بر تخت می‌نشست، سپاهبانی از جن و انس و پرندگان که خداوند مسخر وی کرده بود، پیرامونش را می‌گرفتند. او در یکی از بازدیدهایش جای پرنده‌ای به نام هدهد را خالی می‌بیند. پس از مدتی هدهد حاضر می‌شود و با کلامی شیوا علت عدم حاضر خویش را بیان می‌دارد و آن آوردن خبری قطعی از سرزمین سبا بود که سلیمان از فرمانروای آنجا بی اطلاع بود.<sup>۳</sup>

کلام هدهد حاکی از این اطلاعات بود که اولاً یک زن عهده‌دار مسئولیت خطیر زمامداری آن سرزمین بود، دوم این که کمیت و کیفیت حکومت آن زن به گونه‌ای بود که شباهت کامل به حکومت سلیمان داشت. سوم آن که او تخت و عرشی عظیم داشت و آن حاکی از قدرت نافذ و همه‌جانبه‌ای

۱ سبا/ ۱۵.

۲. ک: تفسیر کشاف، زمخشری، ج ۳، ص ۳۶۰.

۳ نمل/ ۲۰-۲۳.

می‌کند که لازمه یک حکومت مقتدر است.<sup>۱</sup> هدهد همچنین گزارش می‌دهد که آن‌ها به جای خداپرستی به پرستش خورشید مشغول بودند و در برابر خورشید سر به خاک می‌نهادند. سلیمان نامه‌ای برای ملکه سبا از طریق او می‌فرستد.

بلقیس با دریافت نامه، به سرعت وزیران، فرماندهان لشگری و کشوری و مشاورانش را فرا می‌خواند تا جلسه‌ای فوق‌العاده تشکیل دهند. او می‌گوید نامه‌ای دریافت کرده‌ام که در آن مسائل بسیار بزرگی مطرح شده است. در این نامه از من و مردم سرزمین من دعوت به پرستش خدای یگانه و تسلیم در برابر او شده است. حال می‌خواهم با شما مشورت کنم. آن‌ها گفتند که ما مرد جنگیم و امکانات فراوان داریم و می‌توانیم در مقابل دشمن بایستیم. بلقیس پاسخ داد: به نظر من تعقل و تدبیر و دوراندیشی عقلانی‌تر است.

باید سلیمان را آزمود و منتظر عکس‌العمل او شد، از این رو من جنگ را به شما توصیه نمی‌کنم. اگر سلیمان پیامبر خدا باشد، ما توانایی جنگ با او را نداریم و چنانچه پادشاه باشد، هدیه ما را می‌پذیرد و ما با این قدرت و تدابیر حکومتی بر او پیروز خواهیم شد. بلقیس هدایای بسیاری برای سلیمان علیه‌السلام فرستاد. سلیمان به فرستادگان بلقیس گفت: آیا می‌خواهید نظر مرا با مال دنیا جلب کنید؟ اگر این قصد را دارید، بدانید که آنچه خدا به من داده است، از آنچه شما دارید، بهتر و بیشتر است.

این شماست که از هدیه خود شادی می‌کنید. اینک به سوی بلقیس و مشاورانش برگردید و به آن‌ها بگویید من سپاهی به سوی شما گسیل می‌دارم که قادر نباشند در مقابل آن مقاومت کنند، آنان را با ذلت و خواری از مملکت سبا بیرون خواهیم کرد.<sup>۲</sup> به بلقیس بگویید که من جز ایمان و اطاعت و تسلیم شدن در برابر خداوند چیزی نمی‌خواهم. وقتی فرستادگان برای او نقل کردند که او با دیگر پادشاهان متفاوت است بلقیس با سپاهی عظیم، خود عازم سرزمین سلیمان شد.<sup>۳</sup> قبل از رسیدن او حضرت سلیمان علیه‌السلام، تدابیر لازم را برای آزمون بلقیس انجام داده بود.

از جمله این که تخت و عرش او را به دربار خود منتقل کرده و تغییراتی در ظاهر آن داده بود. سلیمان با طرح سوالی او را مورد آزمایش قرار داد تا ببیند آیا بلقیس درک و هوش لازم را برای ایمان آوردن و تسلیم دین او شدن را دارد یا از کسانی خواهد بود که امیدی به هدایت آن‌ها نیست. بلقیس با پاسخ منطقی و هوشمندانه خود به سلیمان علیه‌السلام نشان می‌دهد که از تیزهوشی و درایت و دقت نظر بالایی برخوردار است.

۱. ک: نگرش قرآن بر حضور زن در تاریخ انبیا، منیره گرجی، ص ۲-۹.

۲. نمل / ۲۲-۳۷.

۳. ک: نه‌ایه الارب فنون الادب، النوبری، ج ۱۴، ص ۱۲۱.

او نیز که به منظور آزمایش سلیمان آمده بود با مباحثه و مناظره‌ای مستدل و منطقی یقین حاصل می‌کند که سلیمان علیه‌السلام مرد خدا و پیامبر الهی است. بلقیس که کاملاً پی به عظمت و شکوه سلیمان برده بود و او را دارای نیروی مافوق بشری یافته بود، سخت تحت تأثیر شخصیت او قرار می‌گیرد و در برابر مکتب و آیین او تسلیم می‌شود.<sup>۱</sup>

۲. بلقیس و مدیریت سالم:

مدیریت اجتماعی و آیین حکومت‌داری صحیح یکی از اصول اساسی زندگی بشری است. زیرا زندگی سالم که به دور از هر گونه دغدغه‌های اجتماعی بوده و امنیت و آسایش جامعه را به دنبال داشته باشد، نشأت گرفته از مدیریت صحیح و سالم است. مدیریت صحیح و سالم است که جامعه در سایه آن به کمال رسیده و سعادت خود را در می‌یابد. مدیریت صحیح بلقیس نیز بیانگر عقل سلیم او می‌باشد. پس از آن که حضرت سلیمان نامه‌ای به او فرستاد و او را به یکتاپرستی دعوت نمود.

او بدون این که عکس‌العمل بی مورد از خود نشان دهد و دعوت نامه حضرت سلیمان را منافی با مقام خود بداند، از راه صحیح وارد شده، جریان نامه را با مشاوران در میان گذاشته و سپس از راهی وارد می‌شود تا بتواند حقیقت حضرت سلیمان علیه‌السلام را آزمایش نماید و بفهمد که آیا او واقعا فرستاده خدا است که او را به یکتاپرستی می‌خواند یا این که از حقیقت برخوردار نبوده و چشم طمع به قدرت و حکومت او دارد.

وقتی با روح الهی حضرت سلیمان علیه‌السلام آشنا شد، بر آن شد که نزد حضرت برود و با زیر پا گذاشتن قدرت و شوکت و عظمت خود، خالصانه و عاشقانه تسلیم او و عقیده‌اش شود. امام خمینی (ره) نیز در یکی از اشعار عارفانه خود، با نام «سلطان عشق» این عشق بلقیس به حق و حقیقت را به تمثیل درآورده و به آن اشاره می‌نماید.<sup>۲</sup>

بلقیس وار گر در عشقش نمی‌زدم

ما را به بارگاه سلیمان گذر نبود.<sup>۳</sup>

برخی از ویژگی‌های برجسته مدیریتی بلقیس عبارت است از:

۱. بلقیس امور مملکت خود را مطابق با حکم عقل اداره می‌کرد، از این رو با حوادث ناگهانی بزرگ در طول حکومتش همچون مواجهه با حضرت سلیمان علیه‌السلام احساسی برخورد نمی‌کند، او می‌دانست که اگر بر خلاف خرد حکمرانی نماید، سرانجام به زیانش تمام خواهد شد.

۱ نمل / ۳۸-۴۴

۲. ک: شخصیت و حقوق زن در اسلام، مجموعه مقالات، ص ۱۸۶-۱۸۸.

۳. ک: دیوان حضرت امام (ره)، قصیده سلطان عشق، ص ۱۰۷.



۲. بلقیس در امور مملکتی خود پایبند به امر شورا بود و سعی می‌کرد که از دیدگاه‌های مشاوران خود مطلع گردد و نسبت به نظریات آن‌ها احترام گذارد. در عین حال بسیار منطقی و واقع‌بینانه با مسائل برخورد می‌کرد و اگر نظر آن‌ها را مخالف با مصلحت حکومت خود می‌دید، با استدلال کافی آن‌ها را رد می‌کرد. این گونه مشورت‌ها و نظرخواهی‌ها موجب جلب رضایت و اطمینان عاملان اجرایی می‌شود و خود مدیر نیز از مزایا و فایده‌های مشارکت و مشورت سود می‌برد.<sup>۱</sup>

۳. بلقیس از سلامت رأی و روشن بینی و حسن تدبیر در امر حکومت برخوردار بود. چنان که این موضوع را می‌توان با فرستادن نمایندگان خود به دربار سلیمان برای بار اول و آزمایش کردن او مشاهده کرد. او عجزلانه تصمیم به یکی از دو امر با سلیمان نمی‌گیرد «یا جنگ یا صلح» بلکه تمام جوانب را می‌سنجد.

۴. بلقیس از شجاعت و اراده‌ای قوی و همتی بلند بهره‌مند بود. به طوری که پس از شنیدن پیغام او توسط فرستادگان مخصوصش متوجه شد که سلیمان علیه السلام مرد خواست و با پادشاهان دیگر متفاوت است؛ خود عازم سرزمین سلیمان می‌شود تا اوضاع را از نزدیک بررسی کند. او علی‌رغم تهدیدات سلیمان علیه السلام، با شجاعت و همتی بلند اقدام به سفر و ترک وطن می‌کند.

۵. به شهادت قرآن ملکه و ملت سبا مردمی خورشیدپرست و مرفه و دارای امکانات عالی زندگی و نظامی بوده و در ظاهر از نظر تشکیلاتی بر تشکیلات سلیمان برتری داشتند و خود را قوی‌تر و قدرتمندتر می‌دانستند! ولی با این وضع بلقیس زنی مصالحه‌جو و سازگار بود و با حضرت سلیمان از راه مصالحه و هدیه وارد شد و در برنامه‌های او تفکر نمود و سرانجام با ایمان و اسلام خود نشان داد که خیلی عاقلانه فکر می‌کند و در صورت تشخیص حقیقت از آن نمی‌گذرد.<sup>۲</sup>

۶. بلقیس از هوش و ذکاوت بالایی برخوردار بود و قدرت شناختش از حقایق و بررسی امور به طور صحیح بسیار بالا بود، به طوری که با تشخیص درست خود از آزمایش‌های سلیمان سربلند و موفق بیرون آمد و به او ثابت کرد که استحقاق دعوت به یکتاپرستی را دارد.

۷. بلقیس از اعتقادات مستقل برخوردار بود و تصمیمات اعتقادی را با اختیار خود انتخاب می‌کرده است، چه در زمانی که به پرستش آفتاب پرداخت و چه در زمانی که به یکتاپرستی روی آورد. این بانو که حاکمیت قدرتمندی بر قوم خویش داشت و آن ناشی از مدیریت صادقانه و مقتدرانه او بود و ملتش نیز او را قبول داشتند، از این روی در رواج اعتقاداتش در هر دو حالت بسیار موثر بوده است.<sup>۳</sup>

۱. ر. ک: مدیریت و رهبری در سازمان‌ها، گری یوگل، ترجمه محمد ازگلی و قاسم قنبری، ص ۲۶۱.

۲. ر. ک: سیمای زنان در قرآن، علی اکبر بابازاده، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۳. چهره زن در آئینه قرآن و تاریخ، مرتضی فہیم، ص ۱۹-۳۲.

۸. بلقیس زیباترین بیان را در مواجهه با حق و جلوه حق الهی (پیامبر خدا) به زبان می آورد و سخنش هم طراز با کلام متقان و انسان‌های متعالی می‌شود. اقرار به گناه و پی بردن به حقارت خود، اوج تواضع و از خودگذشتگی است. از طرفی اقرار به گناه و توبه زیبای وی حاکی از شجاعت و وارستگی شخصیتی او می‌کند.<sup>۱</sup>

او نخست اعتراف می‌کند که بر خود ستم کرده است و بعد تصریح به توحید و اسلام می‌کند. سپس اسلام و توحید خود را به رویه و اعتقاد سلیمان قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که ایمان به پروردگار جهانیان دارد.<sup>۲</sup>

طرح داستان بلقیس و حکومت او در کنار حاکمیت کامل سلیمان علیه‌السلام نکته قابل توجه و تدبر است و آن حاکی از اهمیت و نقش اساسی این زن در عرصه مدیریت سیاسی، نظامی و اجتماعی می‌کند که در وجود او به عنوان یک زن تجلی کرده است. عظمت بلقیس نایافتنی است. او فهمید که نباید در برابر سلیمان ایستادگی کند و خود و قومش را به هلاکت رساند. ایستادگی در برابر سلیمان یعنی ایستادگی در برابر حق. چرا انسان خردمند مانع حق پرستی مردم شود و آنان را با جهل و نابخردی و خرافات سرگرم نگه دارد و او با عظمت هر چه تمام تصمیم گرفت که با تمام ملت و رجال مملکتی تسلیم حق و تسلیم دعوت سلیمان شود. او زنی تاریخی بود و برای نسل‌های پس از خود پیام‌آور حق‌خواهی و عدالت‌پیشگی و برابری در دین اسلام بود.<sup>۳</sup>

### نتیجه:

بنا به آنچه گفته شد، ایمان‌گرایی و محوریت حق، از ارکان مهم مدیریت اسلامی است و پشتوانه محکم همه تلاش‌ها و کوشش‌های هدف‌دار می‌باشد. مدیریت اسلامی مدیریت قانون‌گراست. سلیقه‌های فردی در آن حاکم نیست. ملاک تبعیت از احکام و قوانین الهی است. به بیانی دیگر در مدیریت اسلامی سرمنشأ قانون خداوند است و به طور کلی وضع هر حکم اصلی نباید با فرمان‌های حق تعارض داشته باشد.

در قرآن کریم با زنانی برخورد می‌کنیم که از شخصیت و قدر و منزلتی بسیار بالا برخوردارند و خداوند متعال این زنان والامقام را به عنوان الگو و نمونه برای همه انسان‌ها اعم از مردان و زنان و فراتر از هر مکان و زمان معرفی کرده است. از ویژگی‌های این زنان شایسته و برجسته، مدیریت

۱. ر. ک: نگرش قرآن بر حضور زن، منیره گرجی، ص ۲۵.

۲. نمل / ۴۴

۳. ر. ک: الدر المنثور، سیوطی، ج ۵، ص ۱۱۱-۱۱۲

## الگوهای مدیریت زنان در قرآن □ ۱۲۱

هوشمندانه، ایمان و اخلاص، استقامت و پایداری، صبر و مقاومت، مخالفت با فرهنگ طاغوتی، خلاقیت و پویایی، علم و فراست، رهبریت کانون خانواده و... می‌باشد. برخی زنان ناشایسته نیز در قطب منفی معرفی شده‌اند که چهره تاریخ را سیاه و تاریک کرده‌اند. این زنان که ویژگی‌های بسیار منفی داشته‌اند، نه تنها کانون خانواده خود را متزلزل کردند، بلکه با عناد و لجبازی، جهل و کوته‌فکری، خودکامگی و سرکشی، همفکری و همکاری با کافران و بی‌دینان، خیانت، جاسوسی، بی‌ایمانی و بی‌تقوایی جامعه را نیز به بی‌ثباتی کشاندند. آن‌ها در ترویج و اشاعه فساد و فحشا و اعمال ناشایست و غیر اخلاقی و انحطاط ارزش‌های اخلاقی و ایمانی نقش به‌سزائی داشتند.

قرآن کریم با معرفی هر دو گروه و ارج نهادن به زنان شایسته و مدیر و معرفی آن‌ها در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، عبادی، خانوادگی و... برای زنان مؤمن و شایسته الگوسازی عرصه‌های مختلف بدرخشند، در واقع جامعه خود را به سوی رشد و تعالی و پویایی سوق می‌دهند.

سخن را با کلام ارزشمند امام خمینی (ره) در این رابطه به پایان می‌رسانیم، ایشان درباره جایگاه زن در جامعه اسلامی چنین می‌فرماید: «زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند. اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسؤولیت‌هایی به عهده بگیرد.<sup>۱</sup>

### منابع تحقیق:

۱. قرآن کریم
۲. نقی پورفر، ولی الله، اصول و مدیریت اسلامی و الگوهای آن، ناشر «مولف، چاپ بیستم، ۱۳۸۳.
۳. سبحانی، محمد تقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، تعاریف و ساختار، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تابستان ۱۳۸۲.
۴. محمدین جریر الطبری، تاریخ الطبری، موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الرابعة، ۵/۱۴۰۳/ ۱۹۸۳م.
۵. الزمخشری، تفسیر الکشاف، قم، نشر البلاغه، الطبعة الثانية، محرم الحرام ۱۴۱۵ق.
۶. ابوعلی الطبرسی، تفسیر مجمع البیان، ترجمه محمد رازی، موسسه انتشارات فراهانی، چاپ اول، اسفند ۱۳۵۸.
۸. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، روح الله خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، آبان ۱۳۷۴.
۹. فهیم (کرمانی)، مرتضی، چهره زن در آئینه قرآن و تاریخ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۴.
۱۰. بهشتی، احمد، درس هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۶۸.
۱۱. جلال الدین عبدالرحمن السیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، ایران، منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۱۲. دیدگاه های اسلام درباره مدیریت، جمعی از استادان مدیریت، مرکز چاپ و انتشارات آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۱۳. روح الله خمینی، دیوان امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۷۳.
۱۴. دوانی، علی، زن در قرآن، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم، زمستان ۱۳۷۸.
۱۵. زنان مدیر، بابارا دال بوم - هال - ترجمه زهره قایینی، موسسه انتشارات سوره، چاپ اول، بهار ۱۳۷۵.
۱۶. اشتهاردی، محمد مهدی، زنان مردآفرین تاریخ، موسسه انتشارات نبوی، چاپ دوم، بهار ۱۳۷۶.
۱۷. مهدی ایران نژاد پاریزی و پرویز ساسان گهر، سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، موسسه عالی بانک داری ایران، چاپ هفتم، زمستان ۱۳۸۲.

## الگوهای مدیریت زنان در قرآن □ ۱۲۳

۱۸. بابازاده، علی اکبر، سیمای زنان در قرآن، انتشارات لوح محفوظ، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ه. ش.
۱۹. دوست محمدی، هادی، شخصیت زن از دیدگاه قرآن، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، پاییز ۱۳۷۳.
۲۰. جاد، احمد، قصص النساء فی القرآن الکریم، دار الغد الجدید، الطبعة الاولى، ۱۴۲۶هـ / ۲۰۰۵م.
۲۱. انصاری، محمد علی، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، حبیب الله دعایی و سید سعید مرتضوی، انتشارات بیان هدایت نور، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۱.
۲۲. قوامی، صمصام الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
۲۳. یوکل، گری، مدیریت و رهبری در سازمان‌ها، ترجمه محمد ازگلی و قاسم قنبری، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (ع) چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران: کانون انتشارات محمدی، چاپ سوم، ۱۳۶۳.
۲۵. نورالدین فضل الله، مریم، نساء فی القرآن، بیروت، لبنان، دار الزهرا للطباعة و التوزیع، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴هـ.
۲۶. گرجی، منیره، نگرش قرآن به حضور زن در تاریخ انبیا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۶.
۲۸. النویری، شهاب‌الدین، نهاییه الارب فی فنونه الادب، القاهرة، مطابع گوستاوتسوماس و شرکاء.

